



			جستجو در متنی
	مربت سازی بر اساس		



	جستجو در درختواره
---------------	-------------------

خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

متن حدیث:

* **مَعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ** قال **سَأَلْتُ: أَبَا الْحَسَنِ (مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ(عليه السلام)) فَقُلْتُ: جَعَلْتَ فِدَاكَ الرَّجُلَ يَكُونُ مَعَ الْقَوْمِ (كَمَنْ هَمْرَاهُ كُروهي است) فَيَجْرِي بَيْنَهُمْ كَلَامٌ يَمْزَحُونَ وَيَضْحَكُونَ** فقال: **لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ، فَظَنَنْتَ أَنَّهُ عَنِ الْفَحْشِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ(صلى الله عليه وآله) كَانَ يَأْتِيهِ الْأَعْرَابُ (امام هُونه ای از مزاح بزرگوارانه و خالص از هر مفسده را بیان می کند) فَيَأْتِيهِ إِلَيْهِ الْهَدْيَةُ ثُمَّ يَقُولُ مَكَانَهُ: أَعْطَانَا هُنَّ هَدِيَّتَنَا فَيَضْحَكُ رَسُولُ اللَّهِ(صلى الله عليه وآله) وَكَانَ إِذَا اغْتَمَّ (فمنكاست می شد) يَقُولُ: مَا فَعَلَ الْأَعْرَابُ لَيْتَهُ أَتَانَا(1).**

ترجمه حدیث:

معمر بن خلّاد می گوید از امام کاظم(علیه السلام) پرسیدم و به او عرض کردم: فدایت شوم، مردی همراه گروهی است در بین آنها کلامی ردّ و بدل می شود و مزاح کرده و می خندند، امام(علیه السلام) فرمود: اشکالی ندارد، مادامی که نباشد (امام متعلق را حذف می کند)، راوی می گوید: گمان کردم که مقصود امام فحش است، حضرت فرمود: اعرابی خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وآله)می آمد و برای آن حضرت هدیه می آورد و می گفت: به جای هدیه پول آن را بدهید پس حضرت می خندید و هر گاه حضرت غمگین می شد می فرمود: چه کرد اعرابی، کاش پیش ما می آمد.

شرح حدیث:

اسلام در مسئله مزاح حدّ وسط را گرفته است. بعضی در معاشرت خیلی خشک هستند که از نظر اسلام این برنامه مطلوبیّت ندارد و بعضی مزاحهای زیاد و بی رویّه دارند که اسلام با این هم مخالف است. در حدیثی آمده است که حضرت یحیی(علیه السلام) از خوف خدا گریه می کرد و هرگز نمی خندید ولی حضرت عیسی(علیه السلام) هم گریه داشت و هم می خندید و کار او بر کار یحیی ترجیح داشت و مقام او بالاتر از یحیی بود. روایات زیادی در مورد مزاح داریم و پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ائمّه(علیهم السلام) و اصحاب آنها مزاح می کردند. علی(علیه السلام)مزاح می کرد و دشمنان از آن سوء استفاده کرده و بهانه می کردند، در حالی که او در مزاح معتدل بود. مسئله مهم در آداب معاشرت این است که باید در مزاح از چند چیز پرهیز کرد:

- دروغ 1

بعضی دروغ می گویند تا دیگران را بخندانند در حالی که حدیث داریم که لا ینذوق الانسان طعم الايمان حتّی ترک الکذب هزله و ... هرگز نباید برای خنداندن اشخاص سراغ دروغ رفت.

- پرهیز از سخنان رکیک 2

از سخنان و تعبیرات زشت باید پرهیز کرد، به خصوص اهل علم باید از آن پرهیز کنند. در ایّام ربیع به توهّم حدیث رفع قلم برای شوخی از الفاظ رکیکی استفاده می کنند که حدیث کذب است و مخالف صریح قرآن است، چون رفع القلم فقط از صبی و مجنون و نائم است نه از شخص عاقل.

- پرهیز از مطالب تحریک 3 آمیز

گاهی در مجلس کودکان و بچه های ممیزی هستند که سخنان او باعث تحریک و یا بی حیایی آنها می شود که از این سخنان باید پرهیز شود.

- تسویه حسابهای شخصی به نام 4 شوخی

عده ای به صورت جدّی نمی توانند با طرف مقابل تسویه حساب کنند و آن را در لباس شوخی انجام می دهند. گاهی شوخی از جدّی، جدّی تر است، چون در لباس شوخی می توانند از طرف مقابلش انتقام بگیرد.

- در شوخی کشف اسرار نشود 5

بیان عیب دیگران برای خنداندن صحیح نیست.

امام(علیه السلام) در روایت «الایاس» فرمود و متعلّق را حذف نمود: حذف متعلّق در اینجا مفید عموم است.

باید توجه داشت که انسان می تواند مزاح کند بدون این که مرتکب گناه شود.

بحث در شرط سوّم از شرایط وجوب حج در استطاعت به روایات رسید و بیان شد که روایات دارای طوایفی است. طایفه ای از روایات در شرح استطاعت سه مورد زاد و راحله، صحّت بدن و تخلیه راه را بیان نمود و طایفه دوّم روایاتی بود که صحّت بدن و قدرت بر مال را می فرمود که هُونه هایی از آن بیان شد.

طایفه سوّم: روایاتی که فقط «ما یحجّ به» را می گوید که حدود ده روایت به این مضمون است که طاهرش همان زاد و توشه و راحله است که یکی دو روایت را از باب هُونه بیان می کنیم:

* ... عن محمد بن مسلم قال قلت: لأبي جعفر(عليه السلام) قوله تعالى «و لله على الناس حج البيت من استطاع إليه سبيلا» قال: يكون له ما يحجّ به الحديث.(2)

* ... عن الحلبي، عن أبي عبدالله(عليه السلام) في قول الله عزّوجلّ: «و لله على الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلا» ما السبيل؟ قال: أن يكون له ما يحجّ به (مسلمًا زاد و راحله را شامل است ولی صحّت بدن و تخلية الرب «ما يحجّ به» نیست) الحديث.(3)

طایفه چهارم: فقط زاد و راحله را می گوید که این روایات با طایفه سوّم در معنا شبیه هستند، که از باب هُونه بعضی از آن را بیان می کنیم:

* ... عن السكوني (سند مشکل دارد) عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: سأله رجل من اهل القدر (در بعضی از روایات عقاید به قائلین به جبر را می گویند) فقال يا بن رسول الله(صلى الله عليه وآله) أخبرت عن قول الله عزّوجلّ «و لله على الناس حجّ البيت من استطاع إليه سبيلا» أليس قد جعل الله لهم الاستطاعةَ (آنها که خدا اراده کرده می توانند به حج بروند، و آنها که خدا اراده نکرده نمی توانند به حج بروند پس تعبیر «من استطاع» دلیل بر جبر است)؟ فقال: و يحك إثمًا یعنی بالاستطاعة الزاد و الراحلة ليس استطاعة البدن الحديث.(4)

* ... (سند ندارد و مرسله است) عن الرضا(عليه السلام) في كتابه إلى المأمون (مأمون از امام خواست که شرایع اسلام را برای او بنویسد و امام در نامه ای آن را نوشتند که صاحب وسائل این نامه را تجزیه کرده و در مباحث مختلف آورده است) قال: و حجّ البيت من استطاع إليه سبيلا و السبيل زاد و راحلة.(5)

بقی هنا أمران:

الامر الأوّل: بین روایات گروههای چهار گانه تعارضی نیست، چون هر کدام بیان صدیقی است چرا که ائمّه(علیهم السلام)گاهی بیان صداق می کردند و انحصار نیست، پس روایاتی که سه مورد یا روایاتی که دو مورد را می گوید با هم تعارضی ندارند و به عبارت دیگر آنها از باب مثبتین هستند که یکدیگر را قید نمی زنند، چون در اصول در باب مطلق و مقید گفته ایم که دو مثبت همدیگر را قید نمی زنند مثلا اگر یگویم اکرم العلما و اکرم الفقها منافق با هم ندارند همچنین لانکرم الفاسق و لا تکرم الجهال، بلکه مثبت و منفی همدیگر را قید می زنند. ما نحن فیه هم از قبیل مثبتین است.

الأمر الثانی: آیا از این روایاتی که بیان شد استطاعت عرفی استفاده می شود یا استطاعت شرعی که چیزی اضافه بر استطاعت عرفی دارد؟

در اینجا ما بحث مهمی با صاحب جواهر و صاحب عروه و محشّین عروه داریم.

مرحوم صاحب جواهر(6) می فرماید از روایات استطاعت شرعی استفاده می شود و استطاعت، حقیقت شرعی دارد نه عرفی و این مسئله اجماعی است و در انتهای بحث می فرماید: صاحب مدارک در اجماع تردید کرده و صاحب حقائق هم تبعیّت کرده است. صاحب جواهر چون مسئله را اجماعی می داند روایات معارض را توجیه می کند.

صاحب عروه هم خط سیر صاحب جواهر را طی کرده و محشّین عروه هم غالباً همین مسیر را طی کرده اند. مرحوم امام هم استطاعت شرعی را بیان فرمودند و معنای آن این است که اگر شخصی نزدیک منگه است به طوری که می تواند پیاده به حج برود، اگر مرکب نداشته باشد مستطیع نخواهد بود، چون راحله در وجوب حج، شرط است ولی ما معتقدیم که استطاعت عرفی معتبر است و مسئله اجماعی نیست و مخالفینی وجود دارند که مرحوم نراقی در مستند(7) آنها را نقل می کند و شاید طرف مقابل اجماعی باشد و جای تعجّب است که مرحوم صاحب جواهر با آن احاطه، چگونه مسئله را اجماعی می داند.

مطالب مرتبط

128- م 46(توقف تخلیه السرب على قتال العدو) - 16/03/86

127- ادامه مسأله 45 - 13/03/86

126 - ادامه مسأله 45 - 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) - 08/03/86

124 - ادامه مسأله 44 - 07/03/86

123 - ادامه مسأله 44 - 06/03/86

* متن

تعداد بازدیدکنندگان : ۱۶۹۸



فارسی

العربية

اردو

Azərbaycan

Русский

English

Español

Français